



در راستای تکمیل یادمان حاضر در بی گفت و شنود اختصاصی با سرکار خانم زهرا مصطفوی نیز بودیم که متأسفانه به علت اشتغالات فراوان وی به ویژه در ماه مبارک رمضان این مهم میسر نشد. ایشان در اجابت خواست مامتن دیل را برای نشریه ارسال داشتند که مورد ویرایش شاهد یاران قرار گرفته است.

#### دکتر زهرا مصطفوی

## فانی در وجود پدر...

اخوی در همان مسجدی که امام(ره) فقہ تدریس می کردند، درس اصول فقهی می داد و شاید شاگرد او بیشتر از امام(ره) هم بوده است. بسیاری از افراد محترم و علمائی که امروز در کشور حضور دارند در نجف بوده اند و برخی از مراجع معلم مقلید از دوستان هم مباحثه ای او و برخی از فقهای محترم از شاگردان او در قم یافتند.

آجیه از کتب علمی ایشان می توان استفاده کرد، مخصوصاً بندۀ درباره تفسیر و حاشیه بر اسفرار اظهار نظر می کنم و دیگران درباره فقه و اصول ایشان، همه بر وسعت اطلاعات ایشان متعزفند. یکی از مراجع نجف درباره ایشان گفته است: «من هیچ کس را ندانیدم که تا این اندازه نسبت به مانی و نوآریهای خود حضور ذهن داشته باشد که در هیچ مروری از آن عدول نکند و سخنی برخلاف نظرات دیگر خود ابراز نکنند». او می فرماید: «تفسیر ایشان یک کتاب خاص و ویژه در تفسیر است که سبک خاصی را دنبال می کند. در هر آیه‌ای به بحثهای ادی، اخلاقی، فقهی، اصولی، کلامی، فلسفی و حتی گاهی به بحثهای علم غریبه می پردازو استفاده هایی را که هر عالمی می تواند از آیه داشته باشد مورد نقد و بررسی قرار می دهد. سپس با نگاههای مختلف و از ابعاد گوناگون به تفسیر و معنی کردن آیه می پردازد و به همین جهت در پیچ جلدی که از تفسیر ایشان منثور شده، فقط سوره حمد و ۴۶ آیه از سوره بقره مطرّح شده است که تفسیری بسیار عميق و گسترده است و متأسفانه فرست نشد تا به آخر برسد.»

حضرت امام(ره) هنگام شنیدن خبر شهادت او گفتند: «مصطفی امید آینده اسلام بود.» به نظر مرسد که چون امام(ره) در استانه یک انقلاب بزرگ بودند، لزم بود بکارهای دیگر درس مقاومت را به پهنه است. بدینه است. بدینه است کسی که در سفره چنین استادی بنشیند و در کنار او رشد کند، با توجه به آشنازی کامل حضرت امام(ره) به ابعاد مختلف درس امام(ره) در نجف و در کار دیگر مراجعت، چهه درخشان شوند در حالی که درس امام(ره) در نجف، از همان اغاز جلوه و درخشش خاصی داشت.

حضرت امام(ره) چه ای داشته اند و برای از دست رفتن فرزندی که

می توانست یاوری برای اسلام باشد، چقدر گریه کردند. امام(ره)

بسیار عاطلفی بودند. من خود شاهد گریه های ایشان در مقابل تاؤفون و رمازی که شده را تبیخ می کردند، بوده ام. همچنین هنگامی که ستوانهای جوانان به طرف چیزهای حرکت می کردند،

بسیار متاثر می شدند و می گریستند.

امیدوارم قدر و منزلت این شهید بزرگوار و خدماتی که برای علم و

جهان اسلام و انقلاب اسلامی انجام داد، هر چه بیشتر مورد توجه

و عنایت واقع شود و روشن بارچ پاک حضرت امام(ره) و با ائمه

اطهار و پیامبر اکرم(صل) همراه باشد.

پس از دستگیری حضرت امام(ره)، اخوی به عنوان یک فرد قابل اعتماد، مسیب حركت امام(ره) را تداوم بخشد و مورد عنایت علماء و مراجع و علمیه های قم بود. پس از تبعید حضرت امام(ره) به ترکیه، همین حركت و محرومیت اخوی در قم سبب شد که رژیم از حضور او احسان خطر کند او را هم به ترکیه تبعید کردند.

یادم هست آن روزها مادرم در کمال ناراحتی و گریه از اخوی می خواستند آرام بگیرد و می گفتند که در ترکیه آمادگی و تحمل شجاعت، در ایشان هم وجود داشت و کمال بیافتد بود. اور مسائل علمی نیز حسارت و شهامت خاصی داشت و مباحثات وی با حضرت امام(ره) و دیگر برگان، زبانزده هم بود. حتی در ترکیه صدای مباحثات طلبگی آنها به قدری بالا می گرفت که صاحبخانه تهران می شد و سراغ ایشان می رفت. برادرم به هیچ وجه ایشان را بحرش را باشهمت تأثیر عظمت گویند و قرار نمی گرفت و پیوسته حرش را باشهمت می زد.

شناخت برادرم شهید حاج آقامصطفی(ره) دقیقاً در کنار شناخت حضرت امام(ره) ممکن است. و بینگاهی های اخلاقی پدرم، از جمله شجاعت، در ایشان هم وجود داشت و کمال بیافتد بود. اور مسائل علمی نیز حسارت و شهامت خاصی داشت و مباحثات وی با حضرت امام(ره) و دیگر برگان، زبانزده هم بود. حتی در ترکیه صدای مباحثات طلبگی آنها به قدری بالا می گرفت که صاحبخانه تهران می شد و سراغ ایشان می رفت. برادرم به هیچ وجه ایشان را باشهمت تأثیر عظمت گویند و قرار نمی گرفت و پیوسته حرش را باشهمت می زد.

او دائم ذکر بود. خود من در نجف شاهد بودم که پیوسته مشغول نماز مستحبی و ذکر بود. اهل ریاضت بود و با آن که از نظر جسمی تنومند بود، هرگز بر زیراندار نرم نمی نشست و روی تشک نرم نمی خوابید و به جایی تیله نمی داد. همواره پای پیاده از نجف به کربلا سفر می کرد و ما شاهد پاهای خوین و زخمها پای او بودیم.

اهر مزاح و شوخی بود. طوری که خاطرات شوخهای او در ذهن اطرافیان مانده است. عاشق درس و تحصیل و تحقیق بود. در زمینه های مختلف طالعه می کرد و در علوم گوناگون تبحر داشت. کنایه های بسیاری را نوشت که متأسفانه بخش مده آنها مفقود شده و فقط همین ۲۸ جلد از او باقی مانده است.

ارادت خاصی نسبت به پدرمان داشت و خود را در وجود او می دید، گویی امام(ره) همه وجود او بود. حکم مراد و مرید را فرمودند، او در سنی که هست شرکت داشت و با اشکالاتی که در زمینه محدود و مقصودی نجف، از این طریق با حضرت امام(ره) آشنا شد و طلاق به سوی حسابت درس ایشان سازی شدند، زیم گمان نمی کرد که حضرت امام(ره) در نجف و در کار دیگر مراجعت، درخشانی شوند در حالی که درس امام(ره) در نجف، از همان اغاز جلوه و درخشش خاصی داشت.

اما در ارادت خاصی نسبت به پدرمان داشت و خود را در وجود او می دید، گویی امام(ره) همه وجود او بود. حکم مراد و مرید را داشتند و رفتارش بگوئهای بود که گویی جز حفظ حضرت شان مقصود و مقصودی نداشت. روشهای مختلفی را که گارمی کرft تا امام(ره) (لهمه ای غذا بخورد و پیوسته مراقبت داشت که ایشان بیمار نشوند و اگر هم می شنند، همه دستورات پزشکی را به دقت می نوشت و مراعات می کرد.

در زمینه مبارزات، دنبال امام(ره) حركت و مسیر فعالیتهاي سیاسی ایشان را هموار می کرد. البته اوقتف با کسانی که کاملاً به آنها اطمینان داشت همکاری می کرد و اجازه حضور هر کسی را در محضر امام(ره) نمی داد و ارتباطات ایشان را بادیگران با دقت و سوساس خاصی دنبال می کرد.

همگان از شخصیت علمی ممتاز او خبر داشتند. ایشان در قم هم تدریس می کرد و جلسه درسیش جلوه خاصی داشت و از شلوغ ترین درسها بود. خود ایشان در زمینه تسلط بر فلسفه سکوت امام(ره) به یاد سکوت حضرت علی (ع) می افتد، لذا اخوی باتمام وجود در تلاش برای حفظ جان و روحیه ایشان بود.